

چندی گوهر از کان طیبات سعدی

گزینش و گردآوری و بازنمایی

سلسله مؤثره

www.ketab.ir



سرشناسه	: سعدی، مصلح بن عبدالله، ۹ - ۶۹۱ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: چندی گوهر از کان طیبیات سعدی / نویسنده ساسان مژده شفق.
مشخصات نشر	: تهران: آپریس، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۷۷ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۳۰-۹۲-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۷ ق. Persian poetry - 13 th century
شناسه افزوده	: مژده شفق، ساسان، گردآورنده
رده بندی کنگره	: PIR۵۲۰۲
رده بندی دیویی	: ۸۶۱/۲۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۶۹۱۸۶۵

چندی گوهر از کان طیبیات سعدی

ساسان مژده شفق

آپریس

۱۰۰۰ نسخه

نخست ۱۴۰۰

۳۵۰۰۰ تومان

که گزینش و گردآوری و بازنگری

که ناشر

که شمارگان

که نوبت چاپ

که قیمت

نقش روی کتاب، جلد بازسازی‌شده‌ی بوستان سعدی‌ای است از روزگار تیموریان که با شماره اموال «۱۳۹۳.۰۴.۰۴۷۰۰/۰۰۰» در موزه‌ی ملک نگاهداری می‌شود و به خواست نویسنده بر جلد آمد.

ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۷۴۳۰-۹۲-۹



نشانی: تهران، ظفر، بین خیابان نفت و بزرگراه مدرس، نیش تخارستان، شماره‌ی ۲۰۶، طبقه‌ی

سوم / دفتر: ۲۲۶۴۵۱۹۶ / رایانامه: aprisbook@yahoo.com / تارنما: aprisbook.com

فهرست

۷.....	پیش‌گفتار
۱۳.....	(۱) دل سودایی
۱۵.....	(۲) پیرِ ذرّ‌آشام
۱۸.....	(۳) صورتِ بی‌جان
۲۱.....	(۴) عاشقانِ بی‌دل
۲۳.....	(۵) در کارِ نازنینان
۲۵.....	(۶) آرامِ جان
۲۹.....	(۷) روزِ شیدایی
۳۱.....	(۸) قبله‌ی خوبان
۳۴.....	(۹) خوابگاهِ عدم
۳۶.....	(۱۰) روزِ وداعِ یاران
۳۸.....	(۱۱) در آرزوی آب
۴۱.....	بیت‌هایی از طینات
۶۷.....	بیت‌هایی از بدایع
۷۷.....	بین‌مایه‌ها

پیش‌گفتار

در این دفتر برخی از زیباترین و دلکش‌ترین غزل‌های سعدی را فشرده گرد آورده‌ام برای خواننده‌ای که گرفتار است در این هیاهوی زندگانی پُرشتاب، و زمان ندارد تا همه‌ی غزل‌های سعدی را بخواند. امید دارم که جانش نواخته گردد بدین گونه‌نویس.

من یازده غزل را از نیکوترین غزل‌های سعدی برگزیدم و بی‌کم‌وکاست در این دفتر بیاوردم. از این یازده غزل، دو غزل با سبک‌های «روزِ شیدایی» و «در آرزوی آب» از طَبِیَّات سعدی نیستند، و از این دو که بگذریم، نه غزل دیگر همه از طَبِیَّات سعدی‌اند. سپس، بیت‌هایی از طَبِیَّات را که به گمانم سخت نیکو و دلنشین‌اند، در بخشی جدا، پس از یازده غزل برگزیده، بیاوردم، و چون دلم نیامد که از شعرهای زیبای بدایع سعدی نیز چندی بیاورم، بخشی را نیز در پایان بیفزودم از گزیده‌بیت‌های بدایع سعدی. در این دفتر جای آن نیست که بدان پردازم که آیا دسته‌بندی طَبِیَّات و بدایع و خواتیم و غزلیات قدیم، از خود سعدی‌اند یا از کسی دیگر، و آیا

دسته‌بندی‌هایی درخورند یا نی. هر چه که باشند و نباشند، من از آن دو بخش بیاوردم و سخن در آن نیست که آن دسته‌بندی را چون است. و نیز، از آن رو که بیشتر شعرهای این دفتر از بخش طَبِیَّات است، نام دفتر را به «طَبِیَّات» آراسته کردم.

شعرهای زیبا و گیرا در میان غزل‌های سعدی چنان فراوان‌اند که اگر می‌خواستم همه را بیاورم، دفتری بلند می‌شد و از آرمانم در نوشتن این نامه دور می‌افتادم. و نیز، گزینش شعرها تا اندازه‌ای سلیقه‌ای و دل‌خواسته است و شاید کسانی شعرهای دیگری را برای گزینش بپسندند، که هر کس را در این میانه نگاهی است.

برخی از شعرهایی که بیاورده‌ام، چنان نامدارند که شاید برخی از خوانندگان، آن‌ها را از بر باشند یا برای ایشان سخت آشنا باشد. باکی نیست، که چنین سخنانی همواره نوآند و بر جان می‌نشینند و کهنه و دل‌آزار نمی‌گردند و چنان گیراستند که شاید اگر برخی بیدار دلان ده‌ها و سدها بار نیز بخوانندشان، همچنان دل‌خوش و شادکام گردند و یا از سوز سخن سعدی آتشی بر جان‌شان افتد.

درباره‌ی غزل‌های سعدی به همین اندازه گفتار بسنده می‌کنم که او در آن شعرها چهره‌ای و احوالی بی‌پرده‌تر را از خویشتن و از مردمانِ دل‌سوخته

می‌نمایاند که آغشته است به شادی‌ها و بیم‌ها و امیدها و اندوه‌ها و نژندی‌ها و دیگر احساس‌ها و عاطفه‌های مردم عاشق که در بندِ یارند و به هیچ روی نمی‌خواهند یا نمی‌توانند دست از دامن یار و دلستان خویش بازپس کشند، و یا کسانی که روزگاری گرفتار چنین دردی بوده‌اند و سوزش همچنان بر جانشان برجاست. پس اگر کسی عشق را آزموده باشد، سخن سعدی را سخنی آشنا و آینه‌ی دل خواهد یافت، چنانکه هم او نیز چنین گفته است:

فراق‌نامه‌ی سعدی به هیچ گوش نیامد

که دردی از سخنانش در او نکرد سرایت

سعدی چنین می‌انگارد که چون نام خوشِ دوست بر زبان او رفته است، شعرهای عاشقانه‌اش زبانزدِ جهانیان گشته‌اند و گویا بر آن است که آوازه‌ی بلندش در جهان از بهر همان سخنِ خوشِ معشوق است، چنانکه خود گفته است:

در آن دهن که تو داری، سخن نمی‌گنجد

من آدمی نشنیدم بدین شکردهنی

شنیده‌ای که مقالاتِ سعدی از شیراز

همی‌برند به عالم چو نافه‌ی ختنی؟^۱

۱. در جایی دیگر می‌گوید: هفت کشور نمی‌کنند امروز / بی‌مقالات سعدی انجمنی